

فهرست

۱	درآمد
۴	۱. تعریف مسأله و اهمیت پژوهش
۶	۲. پرسش‌ها و فرضیه‌ها
۷	۳. پیشینه تحقیق، نقد و بررسی
۱۲	۴. بررسی منابع پژوهش
۱۲	الف) منابع کتبی
۱۲	ب) منابع شفاهی
۱۴	فصل اول - مراسم کنونی زرتشتیان
۱۶	۱.۱ سفره و نمادهای مادی امشاسپندان
۲۰	۲.۱ بوی و برنگ
۲۱	۳.۱ مردم و گردهمایی
۲۲	۴.۱ دادو دهش و خیرات
۲۳	۵.۱ مکان برگزاری مراسم
۲۵	فصل دوم - گاهنبار
۳۰	۱.۲ آیین گاهنبار در متون زرتشتی
۳۴	۲.۲ آیین گاهنبار نزد پارسیان هند
۳۵	۳.۲ آیین گاهنبار در ایران
۳۶	۲.۳.۱ انواع گاهنبار
۳۶	الف) گاهنبار توجی
۳۷	ب) گاهنبار چهر/بزرگ/وقفی
۴۰	۲.۳.۲ شیوه‌های گوناگون برگزاری گاهنبارهای چند آفرینگانی
۴۱	۳.۳.۲ مراسم گاهنبار چهره
۴۸	فصل سوم - فروردیگان
۵۱	۱.۳ آیین فروردیگان در متون زرتشتی
۵۴	۲.۳ آیین فروردیگان نزد پارسیان هند
۵۶	۳.۳ آیین فروردیگان در ایران
۵۷	۱.۳.۳ پنجه کوچک و تهیه مقدمات
۵۸	۲.۳.۳ پنجه بزرگ و شب وه
۶۰	۳.۳.۳ صبح روز اول فروردین
۶۱	۴.۳.۳ مراسم پنجه در اول تقویم جدید
۶۱	۵.۳.۳ مراسم پنجه در روستای مزرعه کلانتر

۶۳	۳.۳.۶ مراسم پنجه در روستای شریف‌آباد
۷۱	فصل چهارم - ریتون
۷۵	۴.۱ آیین ریتون در متون زرتشتی
۷۶	۴.۲ آیین ریتون نزد پارسیان هند
۷۸	۴.۳ آیین ریتون در ایران
۷۹	۴.۳.۱ آیین قدیمی ریتون در یزد و کرمان
۸۲	۴.۳.۲ مراسم هفدرو در کرمان و روستاهای یزد
۸۳	۴.۳.۳ مراسم هفدرو در روستاهای شریف‌آباد
۸۷	فصل پنجم - آیین‌های پس از مرگ
۸۸	۵.۱ آیین درگذشتگان در متون زرتشتی
۱۰۴	۵.۲ آیین درگذشتگان نزد پارسیان هند
۱۱۰	۵.۳ آیین درگذشتگان در ایران
۱۱۲	۵.۳.۱ آخرین لحظات زندگی
۱۱۳	۵.۳.۲ مراسم کفن و دفن
۱۱۷	۵.۳.۳ حمل درگذشته
۱۱۸	۵.۳.۴ زاد و مرگ و یشت گاهان
۱۱۹	۵.۳.۵ دخمه گذاری
۱۲۱	۵.۳.۶ سگدید
۱۲۲	۵.۳.۷ اتاق آتش سوز
۱۲۲	۵.۳.۸ خشت و چراغ
۱۲۴	۵.۳.۹ نیایش و مراسم سه روز نخست
۱۲۵	۵.۳.۱۰ مراسم سوم
۱۲۶	۵.۳.۱۱ شب گیره
۱۲۸	۵.۳.۱۲ مراسم چهارم
۱۳۱	۵.۳.۱۳ مراسم دهه
۱۳۱	۵.۳.۱۴ مراسم سی‌روزه
۱۳۱	۵.۳.۱۵ مراسم روزه
۱۳۲	۵.۳.۱۶ مراسم سال
۱۳۵	ضمیمه ۱
۱۷۳	منابع
۱۷۳	الف) منبع کتبی
۱۷۷	ب) منابع شفاهی

چکیده فارسی

در رساله‌ای که پیش رو است، به بررسی «بازمانده‌های سنت کهن مکتوب در آداب و رسوم کهن زرتشتیان ایران» پرداخته شده است. در این رساله تنها به رسم‌هایی اشاره شده است که در متون پهلوی، برگزاری آنها وظیفه واجب و دینی به‌دینان شمرده شده است یعنی آیین‌های گاهنبار، فروردیگان، رپتون و مراسم درگذشتگان.

نگارنده در هر فصل ابتدا با بررسی متون باستانی، میانه و فارسی زرتشتی، به بررسی «سنت کهن مکتوب» پرداخته است و سپس گزارشی از پژوهش‌های میدانی خود و دیگر پژوهش‌هایی که در زمینه آداب و رسوم زرتشتی انجام شده، ارائه داده است.

در کنار جمع‌آوری آیین‌های زرتشتیان در متون کهن و فرهنگ زنده زرتشتیان ایران، بررسی تغییرات آیین‌ها در قرن اخیر، از اهداف دیگر این رساله بوده است.

درآمد

آداب و رسوم یک جامعه، مجموعه‌ای از رفتارهای دینی و غیردینی گروهی از مردم است که به دلیل مشترکات دینی یا ملی یا نژادی گرد هم آمده‌اند و به دلیل زیربنای فکری مشترک، از باورها و رفتاری مشترک پیروی می‌کنند.

آن چه که امروز به عنوان «آداب و رسوم کنونی زرتشتیان» می‌شناسیم، بازمانده‌های رفتار یک ملت بسیار قدیمی است که هماهنگ با پیام آسمانی زرتشت پیامبر، با شرایط زمانه هم‌ساز گشته‌است^۱ و مایه و سبب یکپارچگی و اتحاد جامعه زرتشتی در این دوران است.

به نظر نگارنده آیین‌های زرتشتی دو ویژگی مهم دارند. استمرار آیین‌ها در زندگی به‌دینان نخستین ویژگی آنها است، به این معنی که این آداب و رسوم، هر فرد زرتشتی را از هنگام تولد تا سی سال پس از مرگ و حتی پس از آن همراهی می‌کند؛ تمامی کارهای روزانه زرتشتیان باید در حصار کلام مقدس اوستا مراقبت شود که به آن «واج گرفتن» می‌گویند. آیین‌های گذر در زندگی آنان با آداب ویژه و نیایش‌های خاص همراه است و به واقع نماد عبور از حیاتی نخستین و متولد شدن در حیاتی عالی‌تر است (الیاده ۱۳۸۵: ۱۳۸). این آداب حتی پس از مرگ جسم تا سی سال ادامه دارد و برای «روان» فرد که جزئی از «روان جهان» است برگزار می‌شود.

دینی بودن آیین‌های زرتشتی، دومین ویژگی آنها است. منظور نگارنده از «دین»، متون اوستا و زند و تمام سنت‌هایی است که باطن و معنای آداب و رسوم زرتشتیان را می‌سازد. تمام آیین‌های زرتشتی، با نیایش رسمی یا غیررسمی، فردی یا گروهی زرتشتیان و موبدان همراه است و این نیایش‌ها مهم‌ترین

^۱ مزدآپور ۱۳۸۲: ۱۰۱.

حلقه پیوند آیین‌های زرتشتی با دین مزدیسنی و اوستا است. وجود دین مرد یا موبد، حلقه دیگر پیوند رسم‌ها با دین است؛ اما موبد همه‌جا حاضر نیست و در چنین مواقعی، مثلاً در واج نان خوردن یا خواندن پتت یا نیایش‌های روزانه و نیایش‌های ویژه روزهای عزیز (مزداپور ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۷)، خود بهدین کلام مقدس را برای تقدس بخشیدن به آیین به کار می‌برد. حضور موبد در مرکز آیین به آن رسمیت و اعتبار ویژه می‌بخشد و رسم را در زمره رسوم مهم و مقدس دینی در می‌آورد.

در بررسی آداب و رسوم زرتشتی باید به این نکته نیز توجه داشت که بررسی این آیین‌ها مانند آیین‌های بیشتر فرهنگ‌های کهن جهان، تنها به جنبه شرح مناسک محدود نمی‌شود، بلکه جنبه مهم‌تری هم دارد و آن توجه به سنت کهنی است که شالوده این رسوم بر آن نهاده شده است.

نگارنده این رساله به عنوان یک انسان مذهبی که به وجود معنا و و باطن در پس صورت ظاهری آداب و رسوم قایل است، تلاش می‌کند به بهانه جمع‌آوری آیین‌ها و شیوه برگزاری آنها نزد زرتشتیان امروزی، در حد توان خود پرده‌هایی از سنت کهن مکتوب و معانی عمیق آنها را نیز به نمایش بگذارد؛ گرچه می‌پذیرد، به این سبب که تا کنون کار جامعی با بررسی جزئیات آداب و رسوم در دست نبوده است، به ناچار شرح برگزاری مراسم پررنگ‌تر شده است.

۱. تعریف مسئله و اهمیت پژوهش

همانگونه که اشاره شد، آداب و رسوم زرتشتی چنان به دین و باورهای دینی گره خورده است که دینی یا غیردینی بودن این رسوم را نمی‌توان وجه تمایز آنها دانست؛ شاید به همین سبب است که تقسیم رسوم زرتشتی به «مراسم درونی» یعنی مراسمی که در یزشنگاه و درون آتشکده انجام می‌شود و «مراسم بیرونی» یعنی مراسمی که بیرون از آتشکده برگزار می‌شود، هنوز بعد از گذشت یک سده بهترین و رایج‌ترین تقسیم‌بندی است.

تمامی تشریفات مراسم درونی، مانند آماده‌کردن وسایل و پاکیزه کردن آنها، تهیه شیر، عصاره هوم و کارهای دیگر همگی فقط به وسیله موبد انجام می‌شود، اما در رسم‌های بیرون از آتشکده تقریباً تمامی مقدمات را مردم عادی آماده می‌کنند. آنچه که مردم زرتشتی از دوران بسیار دور تا کنون انجام می‌دهند، سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، بی‌آن‌که در جایی به طور دقیق مکتوب شده باشد. در کتاب‌های دینی زرتشتیان از اوستا تا نوشته‌های پهلوی و فارسی زرتشتی، تنها می‌توان اشاراتی به نیایش‌های مراسم و وظایفی که بر عهده موبدان بوده است، یافت؛ و ما نمی‌دانیم جزئیات

آیین‌ها مانند رعایت پاک‌ی، لوازم سفره و خوراک‌های آیینی که به وسیله مردم حفظ می‌شده است، در این چند هزار سال چه ویژگی‌هایی داشته‌است؛ تفاوت آنها نزد زرتشتیان نقاط مختلف ایران چه بوده‌است؛ چه مقدار از آنها میراث دوره‌های کهن‌تر است و چه مقدار از آنها تحت تأثیر آداب و آیین‌های جوامع دیگر تغییر کرده‌است.

آداب کنونی که دست‌آوردِ اندیشه و کردار نیاکان ما در چند هزار سال گذشته است، به صورت مجموعه‌ای از رسوم دینی به ما رسیده است و اکنون جدا کردن زمانی و مکانی جزئیات این رفتارها و میزان تغییرات آنها، بر ما پوشیده است. به نظر می‌رسد تغییر و تحول این آداب در چند سال اخیر، شاید از سال ۱۳۳۰ (مزدپور ۱۳۸۳: ۱۴۹) سرعت بیشتری به خود گرفته است و برای هم‌ساز شدن با دنیای مدرن شتابزده به پیش می‌تازد.

به این ترتیب روشن است نوشتنِ آن چه که این ملتِ کهن هم‌اکنون به جای می‌آورند و آن چه که در حافظهٔ سالخوردهگان زرتشتی، از برگزاری رسوم‌شان تا پیش از شصت سال پیش، باقی مانده است، چه اندازه ارزشمند و چه وظیفهٔ سنگینی است. نگارنده امیدوار است با گردآوری آداب و رسوم کنونی زرتشتیان در کنار سنتِ کهنِ نوشته‌شده، تا اندازه‌ای این خویشکاری را به درستی به انجام رسانده باشد.

۲. قلمرو پژوهش

آیین‌های زرتشتی هم در شمار و هم در کیفیت برگزاری بسیار مفصل‌اند و روشن است که بررسی تمامی آیین‌ها و سنت‌های کهنِ آنها را نمی‌توان در یک رساله گنجاند، به همین دلیل نگارنده برای تدوین این رساله ناگزیر به محدود کردن موضوع بود.

در این پژوهش تنها به آیین‌هایی پرداخته شده است که در متون زرتشتی، انجام آنها جزء فرضیات دینی و واجب شمرده شده‌اند. فرضیات دینی رسومی هستند که کوتاهی کردن در انجام آنها سبب «گناه پُل» یا «به پُل شدن گناه» می‌شود (شایست‌ناشایست: ۱۶۳، ۱۷۳). در روایات *داراب هرمزیار* (ج. ۱: ۲۹۶-۲۹۷) درباره معنی «به پُل شدن» چنین آمده‌است: «این شش کرفه که در دین گفته است، از این شش کرفه اگر یکی از وقت گذشته باشد و بديگر وقت دوچندان کنند روا نباشد، ازیرا که دیگر وقت که دوچندان کنند آنرا دوچندان کرفه باشد اما آنوقت که گذشته، عوض آن به دیگر کرفه توجهن نیست و این را گناه پول می‌گویند». این شش کرفه عبارت‌اند از:

(۱) گاهنبار؛

(۲) فروردیان یا فروردیگان؛

۳) برگزاری مراسم برای درگذشتگان، این مراسم در کتاب *شایسته‌ناشایسته* (۱۶۴) و *روایت پهلوی* (۱۹۰) و *نیرنگستان* با عنوان «یشتن ستوش»، در *صدرنشر* (۶) با عنوان «یشتن» روان پدران و مادران و دیگر خویشان» و در نماز پتت پشیمانی با عنوان «روزه درگذشتگان»^۳ آمده است؛
۴) رپتون؛

۵) خواندن سه بار خورشیدنیایش در روز، در گاه‌های هاون، رپتون و اُزیرن؛
۶) خواندن سه بار ماه‌نیایش در ماه، «یک بار که نو شود، یک بار که نیمه شود و یک‌بار که باریک شود».^۴

خواندن سه بار خورشیدنیایش در روز و سه بار ماه‌نیایش در ماه آداب خاصی ندارد، هر بهدین پس از خواندن اوستای سروش واج و کشتی و نوکردن کشتی‌اش می‌تواند این نیایش‌ها را بخواند. موبدیار سروش سلامتی که در شریف‌آباد زندگی می‌کند، خواندن سه بار خورشید نیایش و مهرنیایش را از فرضیات روزانه موبد ذکر می‌کند و می‌گوید هر فرد زرتشتی هم اگر بخواهد برای کسی دیگر مثلاً فردی که درگذشته است، اوستا بخواند، اول باید اوستاهای خودش را که شامل همین چهار نیایش است، بخواند و سپس اوستاهای دیگر را به جای آورد.

چهار مراسم نخست یعنی گاهنبار، فروردیگان، رپتون و مراسم درگذشتگان هر کدام دارای آداب و آیین‌های مفصلی است که به ترتیب به هر کدام یک فصل از رساله اختصاص داده شده است. دلیل برگزیدن این ترتیب برای فصول این است که فروردیگان در واقع گاهنبار ششم یا همسپت‌میدیم را نیز در بر می‌گیرد و رپتون نیز که به نظر می‌رسد آن را باید جشن بزرگداشت آفرینش آتش دانست، همان فلسفه برگزاری گاهنبارها یعنی جشن‌های آفرینش را داشته است؛ اما مراسم درگذشتگان که مفصل‌ترین بخش نیز شده است، مقوله‌ای جدا از گاهنبارها است.

۳. پرسش‌ها و فرضیه‌ها

نخستین پرسش این است که درباره آیین برگزاری این رسوم، در متون زرتشتی از باستان تا امروز یعنی کتاب اوستا و نوشته‌های پهلوی و فارسی زرتشتی، چه اشاراتی موجود است و از این اشارات تا چه اندازه می‌توان به ریشه‌های برگزاری کنونی آیین‌ها دست پیدا کرد؟

^۳ نقل از *شایسته‌ناشایسته*: ۱۷۴.

^۴ صدرنشر: ۶؛ برای شرح بیشتر رک. یادداشت‌های دکتر مزدپور در *شایسته‌ناشایسته*: ۱۷۵-۱۷۳.

پرسش دوم درباره رسوم کنونی زرتشتیان است. آیا اجزای این رسوم تا آنجایی که می‌توان آنها را در متون جستجو کرد، چقدر تغییر کرده‌اند و چقدر بی‌هیچ تغییری باقی مانده‌اند و این آیین‌ها نزد زرتشتیانی که در کرمان و نقاط مختلف یزد زندگی می‌کنند، چه تفاوت‌هایی دارد؟ پرسش سوم این است آیا تغییراتی که با گذر زمان در این رسوم پدید آمده‌اند، تنها ظاهر آیین‌ها را دگرگون کرده‌اند یا در عقاید سنتی نیز که باطن رسوم را تشکیل می‌دهد، تغییراتی به وجود آورده‌اند؟ سیر تدریجی این تغییرات چگونه بوده‌است و چه اجزایی را بیشتر تحت تأثیر قرار داده‌اند؟ فرضیه‌های نگارنده به این ترتیب بود:

- ۱) بن‌مایه‌های رسوم واجب زرتشتی را می‌توان در نوشته‌های باستانی یعنی اوستا و پهلوی یافت، رد پاهایی که ما را به سوی سنت‌های قدیمی و کهن این آداب رهنمون می‌شوند.
- ۲) آیین‌های زرتشتی با وجود فراز و نشیب‌های جدی در تاریخ زرتشتیان، پس از استیلای اسلام بر ایران تا حدود ۵۰ سال پیش تغییر مهمی را تجربه نکرده است.
- ۳) از ۵۰ سال پیش تا امروز بسیاری از آیین‌های کهن تغییرات جدی یافته، یا کمرنگ شده و یا با رسم‌های جدید جایگزین شده‌اند، فراگیر شدن مدرنیته و پراکنده شدن بافت قدیمی و سنتی جامعه بیشترین و مهم‌ترین عامل این تغییرات بوده است.

۴. پیشینه تحقیق، نقد و بررسی

برای بررسی پیشینه تحقیق، نگارنده آنها را به دو گروه پژوهش‌های غیرزرتشتیان و پژوهش‌های زرتشتیان تقسیم کرده است. تفاوت تحقیقات این دو گروه تفاوت نگاه کسی است که از زمان تولد، تن و روانش هماهنگ با این رسوم می‌بالد و باورهای عمیق مینوی آنها را به ارث می‌برد و کسی که از بیرون مراسم تنها برای مدتی کوتاه بر پیکره ظاهری این سنت‌ها، نظری کوتاه می‌اندازد و از این رهگذر چند خوشه‌ای می‌چیند و می‌گذرد؛ و بی‌تردید به همین دلیل است که محققانی چون بویس همواره از حضور یکی از موبدان یا افراد آگاه به رسوم زرتشتی بهره برده‌اند.

الف) پژوهش‌های غیرزرتشتیان - در این حوزه، در ایران و دوره معاصر تحقیق جدی صورت نگرفته است. کتاب فرهنگ زرتشتیان یزد تنها کتابی است که اخیراً درباره تاریخ، جشن‌ها، آیین‌ها، پوشاک، غذاها، بازی‌ها، باورها، مسکن، زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس زرتشتیان یزد مطالبی را جمع‌آوری کرده است. در

دیباجه کتاب «این پژوهش را فراگیرترین کار در زمینه فرهنگ، آداب، آیین، روش، منش و شیوه زیستن زرتشتیان یزد»^۶ دانسته‌اند، شاید فراگیر بودن کار سبب شده‌است در بیشتر بخش‌های کتاب بحث‌ها به صورت کلی مطرح شده و از جزئیات آیین‌ها و مهم‌تر از آن باورهای زرتشتیان سخنی به میان نیاید. علاوه بر این جز دکتر داریوش مهرشاهی که دکترای جغرافیا دارند و آقای شهریار هیربد نام زرتشتی دیگری در کتاب نیست تا ما بدانیم اطلاعات آیین‌هایی که در کتاب گزارش شده، چگونه به دست آمده است و منبع اشتباهات پیش آمده از کجاست. از این چند نکته که بگذریم فهرستی که از مشاهیر زرتشتی یزد، اماکن مقدس و زیارتگاه‌ها تهیه شده است، بسیار مفید است. در فصل چهاردهم کتاب با عنوان «زرتشتیان در سفرنامه‌ها» نیز بسیاری از منابع دیده و بررسی شده است.

در بخش پژوهش‌های غیر زرتشتیان بیشترین تحقیقات به مستشرقان تعلق دارد. تقریباً از دو‌یست سال پیش که توجه غربیان برای پژوهش در دین و فرهنگ زرتشتی و کتاب مقدس اوستا جلب شد تا پنجاه سال پیش که بویس^۷ به طور جدی و با روش علمی، پژوهش درباره آیین‌ها و سنت زرتشتی را آغاز کرد، در میان تألیفات شرق‌شناسان، کار جامع و دقیقی درباره آداب و رسوم زرتشتیان ایران نمی‌توان یافت. در کتاب‌هایی که در باره فرهنگ ایران نوشته‌اند،^۸ یا کتاب‌هایی که متون زرتشتی را ترجمه کرده‌اند^۹ و یا در سفرنامه‌های جهانگردانی که به گشت و گذار در ایران پرداخته‌اند،^{۱۰} مطالب پراکنده‌ای درباره آیین‌های زرتشتیان نیز می‌توان یافت.

۶ همان: ۱۰

^۷ Boyce, M.

^۸ Haug, M. 1883. *Essays on the Sacred Language, Writings, and Religion of the Parsis*. London. (3th edition).

Moulton, J.H. 1917. *The Treasure of the Magi: A Study of Modern Zoroastrianism*. London.

^۹ *Sacred Book of the East (SBE)*. London.

^{۱۰} برای نمونه می‌توان به سفرنامه‌های زیر اشاره کرد:

- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۳۶. *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری. اصفهان: کتابفروشی تأیید.

- جکسن، ویلیامز. ۱۳۵۲. *سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال*. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.

- شاردن، ژان. ۱۳۳۵. *سفرنامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.

همانطور که اشاره شد، اولین بار بویس کار علمی و مفصل درباره آداب و رسوم زرتشتیان ایران را آغاز کرد. وی در سال ۱۹۶۳-۱۹۶۴ به مدت دوازده ماه در یک روستای کوچک در شمال یزد به نام «روستای شریف‌آباد» اقامت گزید و در این یک سال از نزدیک آداب و رسوم یکی از گروه‌های قدیمی و سنتی زرتشتی را مشاهده و بررسی کرد. او نتیجه مشاهدات خود را در شش مقاله در سال ۱۹۷۵ در انگلستان ارائه داد و در سال ۱۹۷۷ آنها را در مجموعه‌ای به نام «پایگاه ایرانی زرتشتی‌گری»^{۱۱} به چاپ رسانید.

بیشتر گزارش‌های این کتاب مربوط به آداب و رسوم زرتشتیان شریف‌آباد است که با رسوم روستاهای دیگر یزد گاه تفاوت‌های شاخصی دارد و در این کتاب به آیین‌های این روستاها و نیز زرتشتیان کرمان تنها در زیرنویس مطلب اصلی اشاره‌های مختصری شده است. او برخی از مطالب این کتاب را در مقالاتش کامل‌تر کرده است، برای نمونه شیوه برگزاری جشن رپتون نزد زرتشتیان ایرانی و پارسی را در مقاله‌ای مفصل شرح می‌دهد.^{۱۲}

مطالعه این کتاب ۲۷۰ صفحه‌ای، نشان می‌دهد که آیین‌های زرتشتی چه اندازه پر تعداد و مفصل است و طبیعی است که نویسنده از آوردن برخی جزئیات در کتاب خود چشم‌پوشی کرده است. مثلاً همه جا نیایش‌های مراسم را ذکر نکرده است و درباره این که در هر یک از مراسم درگذشتگان چه اوستاهایی می‌خوانده‌اند، در جشن رپتون چه بخش‌هایی از ویسپرد و با چه آدابی خوانده می‌شده است، جزئیات اعمال موبد برای تهیه آب هوم چه بوده است و یا اجزای سفره در مراسم گوناگون چه تفاوت‌هایی دارد، در این کتاب مطالب دقیق و کاملی نمی‌توان یافت.

همچنین بویس در اثر خود بسیاری از واژه‌های آیینی را به لهجه زرتشتیان ثبت کرده است که بسیار ارزشمند است، ولی بیشتر جملات را، مانند جمله‌ای که دهموبد در آغاز مراسم بیان می‌کرده است یا دعایی که سالاران هنگام دخمه‌گذاری می‌خوانده‌اند، به زبان انگلیسی ترجمه کرده است و آوانویسی آنها را به لهجه زرتشتیان ارائه نداده و سبب شده است ما از محتوای دقیق این دعاها و سخنان محروم شویم.

بسیاری از رسوم زرتشتیان که بویس در آن زمان شاهد آن بوده و جزئیات آنها را به دقت یادداشت کرده است، امروز برگزار نمی‌شود مانند رسم‌های دخمه‌گذاری، سی‌شور و نشوه، بزرگ کردن آتش،

^{۱۱} *A Persian Stronghold of Zoroastrianism.*

^{۱۲} "Rapithwin, N R z and the feast of Sade", *Pratid nam, Studies presented to F.B.J. Kuiper*, ed. J.C. Heesterman et al.

یشت دور دادگاه، سفره‌های نذری مثل سفره سبزی، جشن رپتون و... این امر ارزش و اهمیت نوشته‌های بویس را چند برابر کرده و سبب شده است کتاب او در زمینه آداب و رسوم زرتشتیان نیم قرن پیش، یعنی درست زمانی که تغییرات جدی در این آداب آغاز شد، کاری یگانه و منحصر به فرد باشد.

از دیگر مستشرقانی که درباره آداب و رسوم زرتشتیان به پژوهش پرداخته‌است، می‌توان به کرین بروک^{۱۳} اشاره کرد. وی با کمک یک زرتشتی پارسی، با تعدادی از زرتشتیان هند گفتگوهایی داشته که آنها را به صورت کتابی منتشر کرده است.^{۱۴} در این کتاب می‌توان با افکار و باورهای کنونی زرتشتیان پارسی، درباره برگزاری آداب و رسوم کهن ایشان آشنا شد، در ضمن اطلاعاتی کلی نیز از آیین‌هایی که برگزار می‌کنند، به دست آورد.

بوید^{۱۵} پژوهشگر دیگری است که درباره آداب و رسوم زرتشتیان پارسی در هند، تحقیقاتی انجام داده است. وی بیشتر مقالات و کتاب‌های خود را با همکاری و کمک دستور فیروز کوتوال^{۱۶}، موبد بزرگ آتش بهرام «وادیاچی»^{۱۷} در بمبئی نوشته است. همکاری این موبد آگاه که خانم بویس هم از آن بهره‌مند بود، ارزش این پژوهش‌ها را چند برابر کرده است. چون این تحقیقات بیشتر درباره آداب و رسوم پارسیان است، در این جا از بررسی تمام این کتاب‌ها و مقالات صرف نظر می‌شود. نام تعدادی از نوشته‌های این محقق که در نگارش این رساله مورد استفاده قرار گرفته است، در بخش منابع لاتین، زیر نام کوتوال^{۱۶} آمده است.

ب) پژوهش‌های زرتشتیان - در میان زرتشتیان، پارسیان هند در کار تحقیق و پژوهش علمی در زمینه زبان، فرهنگ و دین زرتشتی پیشقدم بوده‌اند. مقالات و کتاب‌های «جوانجی جمشیدجی مدی»^{۱۸} هنوز با وجود گذشت حدود یک سده، مرجع اصلی آگاهی پژوهشگران از آداب و رسوم زرتشتی است. او

^{۱۳} Kreyenbroek, Ph.

^{۱۴} Kreyenbroek, Ph. & Shehnaz Neville Munshi. 2001. *Living Zoroastrianism, urban Parsis speak about their religion*. Curzon.

^{۱۵} Boyd, J.W.

^{۱۶} Kotwal, F.M.

^{۱۷} Wadiaji

^{۱۸} Modi. J.J.

در کتاب مهم خود با عنوان *آداب و مراسم دینی پارسیان*^{۱۹} تقریباً تمامی آیین‌های پارسیان را شرح داده است. چون نویسنده این کتاب، موبد و با کتاب‌های دینی زرتشتی به خوبی آشناست، بخش زیادی از نوشته‌های خود را به توضیح و بررسی فلسفه آیین‌ها پرداخته‌است و درباره نیایش‌ها و وظایف موبدان در اجرای مراسم نیز مفصل شرح داده است، ولی به جزئیات دیگر مراسم مانند سفره، خوراک‌های آیینی و نقش مردم در آیین‌ها کمتر اشاره کرده است.

دیگر موبدان پارسی نیز هنگام ترجمه و تفسیر کتاب‌های پهلوی و فارسی زرتشتی به انگلیسی، اطلاعات مهمی درباره برگزاری آیین‌ها در دوره کنونی ارائه داده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به ترجمه *شایسته‌ناشایست* از موبد کوتوال^{۲۰} یا ترجمه *روایات هرمزیار فرامرز* از دابار^{۲۱} و ترجمه *فرضیات‌نامه* از مدی^{۲۲} اشاره کرد.

بیشترین آگاهی‌هایی که از مراسم زرتشتیان پارسی کنونی در دست داریم، به پژوهش‌های دستور کوتوال تعلق دارد. مقالات و کتاب‌های متعدد وی، برگزاری بعضی از مراسم پارسیان را به خوبی و با جزئیات کامل به تصویر می‌کشد؛ در کنار تحقیقات مستقل وی، کمک و همکاری او با مستشرقینی مانند بویس و بوید، نوشته‌های آنان را به اطلاعات سودمندی درباره آداب و رسوم پارسیان آراسته است.

از زرتشتیان ایران، مهم‌ترین پژوهشگری که تألیفاتی درباره آداب و رسوم زرتشتیان ایران دارد، موبد اردشیر آذرگشسب است. او در چهار کتاب *آیین سدره‌پوشی*، *آیین زناشویی*، *آیین برگزاری جشن‌های ایران باستان* و *آیین کفن و دفن زرتشتیان* را شرح داده است، و در کتاب دیگری با عنوان *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان* بخش‌هایی از تمامی آیین‌های ذکر شده را به همراه شرح آیین نوزودی (تشریف به مقام موبدی) در ایران آورده است. در کتاب‌های موبد آذرگشسب با وجود آن که اطلاعات ارزشمندی وجود دارد و به دلیل این که نویسنده آن یک موبد زرتشتی است، دارای اعتبار است، اما به جزئیات مراسم بسیار کم اشاره می‌شود. در این کتاب‌ها درباره سفره‌های گوناگون و تفاوت آنها، آداب

^{۱۹} *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees.*

^{۲۰} Kotwal. F.M.1969. *The Supplementary Texts to the Š yest ne Š yest.* Copenhagen.

^{۲۱} Dhabhar, M.A.1932. *The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz and others.* Bombay.

^{۲۲} D r b P hlan. 1924. *The Persian F rzi t-N meh and Khol seh-i D n.* ed. J.J.Modi. Bombay.

برگزاری مراسم و نیایش‌ها، خوراک‌های آیینی و شیوه تهیه مقدمات مراسم مطالب بسیار کوتاه و مختصری ذکر شده‌اند.

از پژوهش‌های دیگری که زرتشتیان درباره آیین‌های زرتشتی ایران منتشر کرده‌اند، می‌توان به سه مقاله به زبان انگلیسی از موبد خدایار دستور شهریار^۳ درباره مراسم گاهنبار، مراسم تدفین و مراسم چهارم درگذشتگان اشاره کرد. این سه مقاله مطالب مهم و بسیار ارزشمندی درباره شیوه برگزاری این سه رسم در سال ۱۹۱۴ م. در اختیار ما می‌گذارند. متأسفانه از این موبد درباره رسوم دیگر نوشته‌ای در دست نداریم و در این مقالات هم بسیاری از پرسش‌های ما بی‌پاسخ می‌ماند.

کتاب *گلدسته چمن آیین زرتشت* ترجمه کتابی است که موبد شهریار جی دادابهایی بهروچا درباره باورها، فرهنگ و دین زرتشتی نوشته‌است و ماستر خدابخش بهرام رئیس نرسوآبادی یزدی آن را در سال ۱۲۶۵ یزدگردی (۱۲۷۵) به زبان فارسی ترجمه کرده است. در این کتاب اطلاعاتی کم ولی ارزشمند درباره آیین‌های زرتشتیان ایران می‌توان یافت.

موبد مهرگان موبد سیاوخش در سال ۱۲۹۱ یزدگردی (۱۳۰۱ ه.ش) کتاب *گلدسته چمن آیین زرتشت* را به دلیل این که «خیلی کمیاب و طالبانش زیاد بودند» با افزودن «بعضی توضیحات و الحاقات ضروری» با عنوان *آیین دین زرتشتی*، بازنویسی و منتشر می‌کند. در این کتاب موبد مهرگان بخش‌هایی از اوستا مانند یسنا و ونیداد را به خط فارسی آوانویسی کرده و نیرنگ (دعا)های دینی مانند نیرنگ برسم چیدن، هوم چیدن، جیوام گرفتن، زور گرفتن، ورس گرفتن، برسم شستن و فراهوم گرفتن را با توضیحاتی درباره مراسم آن ذکر کرده است.

دکتر کتایون مزدپور پژوهشگر زرتشتی دیگری است که کتاب‌ها و مقالات او، مطالب مهمی درباره آداب و رسوم زرتشتیان کنونی ایران در بر دارد. او در یادداشت‌هایی که بر ترجمه متون پهلوی مانند *شایست‌ناشایست*، *دستنویس ام/او ۲۹* و «نیایش برای درگذشتگان» نوشته‌است به نقل قول‌های مهمی از زرتشتیان معاصر درباره آیین‌های امروزی ایشان اشاره کرده است. از آخرین مقالات وی، نوشتاری با عنوان «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران» است که ضمن بررسی و طبقه‌بندی آداب و رسوم کنونی زرتشتیان ایران، به بررسی نقش این آیین‌ها و دلایل تغییرات آنها در دوره معاصر توجه کرده است.

۴. بررسی منابع پژوهش

نگارنده برای این رساله علاوه بر منابع کتبی از منابع شفاهی نیز بهره برده است.

الف) منابع کتبی - هر فصل شامل سه بخش بررسی رسم در متون زرتشتی، بررسی رسم نزد پارسیان هند و بررسی رسم نزد زرتشتیان ایران است. در بخش بررسی رسم در متون زرتشتی تلاش شده است در منابعی که به زبان اوستایی، پهلوی و فارسی زرتشتی مطلبی درباره آیین‌های زرتشتی دارند، جست‌وجو شود. خرده‌اوستا و وندیداد از متون باستانی؛ شایست‌ناشایست، نیرنگستان، روایت پهلوی و داتستان دینی از متون دوره میانه و روایات داراب هرمزیار، صدرنثر، صدربندهشن و فرضیات‌نامه داراب پاهلان مهم‌ترین منابع مورد بررسی برای تدوین این بخش بوده است.

برای بررسی رسم نزد پارسیان هند، بیشتر از نوشته‌های مدی بهره برده شده است. منابع شفاهی یعنی گفته‌های دستور فیروز کوتوال و خانم یاسمین راستی در تکمیل مطالب این بخش نقش مهمی داشته است.

نگارنده در بخش بررسی رسم نزد زرتشتیان ایران، بیش از همه به منابع شفاهی که با پژوهش میدانی گردآوری شده، تکیه کرده است. نوشته‌های بویس، مقالات دستور خدایار، کتاب‌های موبد آذرگشسب و مقالات و کتاب‌های کتایون مزداپور از منابع کتبی مورد استفاده در این بخش بوده است.

ب) منابع شفاهی

بیش از نود درصد زرتشتیان ایران هم‌اکنون در شهرهای یزد، کرمان، تهران، شیراز، اصفهان و اهواز ساکن هستند. مسکن زرتشتیان در یک قرن پیش تنها یزد و کرمان بوده است و زرتشتیانی که اکنون در تهران، شیراز و شهرهای دیگر ساکن‌اند، مهاجرانی از یزد و کرمان محسوب می‌شوند (مزداپور ۱۳۸۲: ۷). این زرتشتیان مهاجر آیین‌های نسبتاً یکسانی را که همساز با زندگی شهرنشینی ایشان بود، در پیش گرفتند و همگی از تقویم جدید که شامل دوازده ماه سی‌روزه، پنج روز پنجه آخر سال و یک روز اورداد در سال کیسه بود، پیروی می‌کنند.

اما در یزد حداقل تا پنجاه سال پیش همه روستاها از تقویمی قدیمی و بدون کیسه پیروی می‌کردند. در سال ۱۹۶۴، که بویس در شریف‌آباد به کار پژوهش مشغول بود، اول فروردین تقویم قدیمی برابر با ۳۱ جولای در تقویم گریگوریان بود (بویس ۱۹۷۷: ۱۶۴). به تدریج در روستاهای مختلف یزد نیز پیروی از تقویم جدید رواج یافت و همین امر سبب شد تفاوت در برگزاری آیین‌ها بیشتر شود. غیر از روستای قاسم‌آباد که همه مردم آن مراسم را بر اساس تقویم جدید برگزار می‌کنند، در

روستاهای دیگر بعضی از مردم هنوز تقویم قدیم را نگاه داشته‌اند و بقیه اهالی تمامی آیین‌ها مانند گاهنبار و مراسم درگذشتگان را به تقویم جدید انتقال داده‌اند. این تفاوت‌های تقویمی در کم‌رنگ شدن بعضی آداب و رسوم بی‌تأثیر نبوده است.

اکنون در یزد ۲۶ روستای زرتشتی‌نشین وجود دارد. تلاش نگارنده بر این بوده است که از هر روستای زرتشتی‌نشین حداقل با یک نفر درباره شیوه برگزاری آداب و رسوم آن روستا صحبت کند. با این که کوشش بر این بوده که درباره تمامی جزئیات مراسم پرسیده شود اما اگر این امکان وجود داشت که نگارنده در تمامی مراسم تمام این روستاها شرکت داشته باشد، بهتر می‌توانست جزئیات همه این رسوم را ثبت کند.

نام این افراد در متن رساله یا به صورت کامل و یا به صورت اختصاری آمده است و مشخصات کامل ایشان در بخش منابع شفاهی ذکر شده است.

فصل اول. مراسم کنونی زرتشتیان

هر رسم در عین حال که «واحدی مستقل» به حساب می آید، از اجزایی مختلف تشکیل شده است که زیر نام و معنای آن رسم با نظمی معین در کنار هم قرار گرفته و مجموعه واحدی را به وجود آورده اند (مزدآپور ۱۳۸۳: ۱۴۷). مثلاً رسم گاهنبار سفره‌ای دارد که خود دارای جزئیات مفصل است، مکان برگزاری، نیایش‌هایی که خوانده می‌شوند، حضور مردم و موبد هر کدام ویژگی‌هایی دارند که خاص این مراسم‌اند؛ اما همه این اجزاء که شکل ظاهری آیین را به تصویر می‌کشند زیر نام و معنای رسم گاهنبار با هم هماهنگ شده و به وحدت می‌رسند.

بنابراین برای هر رسم که شامل مجموعه‌ای از اعمال و آداب است، می‌توان باطنی قایل شد که مایه و سبب همین وحدتی است که بین اجزای آن آیین برقرار است. مشاهده و بررسی شکل ظاهری آیین‌ها، اگر با تعمق و تفکر در معنای آنها همراه نباشد، از پوسته ظاهری این رسوم فراتر نخواهد رفت، در حالی که دلیل واقعی برگزاری یک رسم در هسته آن نهفته است.

معنی اندر وی مثال دانه است

ای برادر قصه چون پیمان‌ه است

ننگرد پیمان‌ه را گر گشت نقل

دانه معنی بگیرد مرد عقل

(مولوی)

تفاوت‌هایی که در شکل ظاهری رسوم بین زرتشتیان روستاهای مختلف یزد و یا زرتشتیان یزد و کرمان مشاهده می‌شود، گاه بسیار چشم‌گیر است. بخشی از این تفاوت‌ها به گوناگونی و تغییرات تقویم بازمی‌گردد، چرا که آیین‌های زرتشتی بیش از هر چیز به تقویم وابسته است. مثلاً نوروز و جشن رپتون که هر دو باید در یک زمان برگزار شوند، نزد زرتشتیانی که تقویم بدون کیسه را نگاه می‌داشتند، از هم فاصله گرفته است. جشن رپتون که جشنی دینی است و باید در پایان زمستان و در پنج روز نخست ماه فروردین برگزار شود با عقب‌نشینی تقویم بدون کیسه تا ماه تیر جابه‌جا شده است، در حالی که دلیل اصلی برگزاری این جشن بازگشت ایزد رپتون است که پنج ماه زمستان بزرگ را به نگاهداری ریشه درختان و گرم نگه داشتن آب‌های زیرزمینی مشغول است و در آغاز بهار طبیعت دوباره به روی زمین باز می‌گردد. این آیین بیشتر از آن‌که به معنایش وابسته باشد، به تقویم دینی وابسته باقی مانده است که حقیقتاً هم نزد زرتشتیان سنتی دارای تقدس است؛ و نوروز به عنوان یک جشن ملی و مردمی که دلیل برگزاری آن یعنی رستاخیز طبیعت، به هیچ دین و مذهب خاصی وابستگی ندارد، با تقویم رسمی کشور همراهی کرده است و زرتشتیان قدیمی نیز با این که از تقویم قدیمی بدون کیسه پیروی می‌کردند ولی نوروز را براساس تقویم رسمی برگزار می‌کردند و در آغاز فروردین تقویم قدیمی تنها مراسم دینی گاهنبار پنجه، دادگاه پنجه و رپتون را به جای می‌آوردند و هیچ اثری از سفره نوروز به چشم نمی‌خورد.

دلیل مهم دیگر گوناگونی رسوم به ۱۴۰۰ سال تاریخ پر فراز و نشیب زرتشتیان پس از اسلام باز می‌گردد. آگاهی ما از این دوران نسبتاً طولانی بسیار اندک است (مزداپور ۱۳۸۲: ۵۱). دین زرتشتی که در زمان ساسانیان به وسعت تمام ایران‌شهر گسترده‌گی داشت در سده‌های پس از اسلام به شدت محدود شد. احتمالاً در سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم میلادی بود که بازمانده زرتشتیان ایران در اطراف شهرهای کویری یزد و کرمان سکنی گزیدند (مزداپور ۱۳۸۲: ۵۴؛ بویس ۱۳۸۴: ۱۹۵)؛ و موبدان موبد زرتشتی در ترک‌آباد، روستایی دورافتاده در گوشه شمال‌غربی یزد، مستقر شد. از آن به بعد اطلاعی درباره

زرتشتیان سیستان، خراسان و آذربایجان در دست نیست (بویس ۱۳۸۴: ۱۹۷). گویا زرتشتیان نقاط دیگر ایران که توانستند از هجوم مغولان جان سالم به در برند، نزد زرتشتیان یزد و کرمان پناه گرفتند (همانجا).

تا عهد صفویه در اصفهان نیز بهدینانی می‌زیسته‌اند، اما در قتل‌عام اصفهان در سال ۱۶۹۹ میلادی، تنها تعدادی از ایشان زنده ماندند که به یزد گریختند و در خرمشاه و محمدآباد و تفت ساکن شدند (مزدایور ۱۳۸۲: ۵۶). گروهی از زرتشتیان کرمان نیز در اصل به یزد تعلق دارند، مثلاً مردم جوپار کرمان که اصولاً یزدی‌اند (همانجا).

بنابراین حدود ۷۰۰ سال پیش یزد و کرمان مرکز بهدینانی شد که از تمامی نقاط ایران به آنجا پناه می‌آوردند. این زرتشتیان، با خود آیین‌هایی را از تمام نقاط ایران به همراه داشتند که ما از کم‌وکیف آن آگاهی دقیقی نداریم. چند سده هم‌نشینی در بخش‌های محدودی از این سرزمین پهناور، سبب شد مراسمی نسبتاً یکدست پدید آید. اما این یک‌دستی، نسبی است. در روستاهایی مانند چم، زین‌آباد، تفت و مبارکه که در فاصله نزدیکی از هم قرار گرفته‌اند، برگزاری آیین‌ها شباهت بیشتری به هم دارند تا مثلاً با روستای شریف‌آباد و حسن‌آباد که در فاصله نسبتاً دورتری قرار دارد، به همین نسبت بین برگزاری آیین‌های دینی در یزد و کرمان تفاوت‌های بیشتری دیده می‌شود.

برای نمونه در روستای چم، زین‌آباد، تفت و مبارکه در پنج روز جشن مهرگان (روز مهر تا ورهرام) آیینی به نام «گشت مهرایزد» برگزار می‌شود که هنوز هم زنده است و در روستاهای دیگر یزد انجام نمی‌شود.

در شریف‌آباد مراسم فروردیگان یا پنجه آخر سال ویژگی‌های خاصی را حفظ کرده است که هیچکدام از روستاهای دیگر آنها را به یاد ندارند. ساختن مجسمه‌های گلین مانند عروسک و شتر آتشدان و سفید کردن آنها، رسمی بسیار کهن است که ابوریحان بیرونی نیز بدان اشاره کرده است.

نمونه دیگر از این نوع تفاوت‌ها در «جشن سده» دیده می‌شود که گویا از قدیم دو تاریخ برای آن وجود داشته‌است، یکی صد روز پیش از اول فروردین و بازگشت ایزد رپتون و دیگری صد روز بعد از رفتن ایزد رپتون یعنی اول ماه آبان؛ سده نخست که در روز اشتاد و آذرماه تقویم زرتشتی قرار می‌گرفت، نزد روستاهای مختلف نام‌های گوناگونی داشت، اهالی شریف‌آباد آن را «هیرمبا»^۱ مردم اله‌آباد و نرسی‌آباد آن را «هییدگ»^۲ و بهدینان خرمشاه این جشن را «شاخ‌شاخ دُرَبند» می‌نامیدند و از برگزاری آن و روستاهای دیگر اطلاعی در دست نداریم. اکنون تنها روستای شریف‌آباد «هیرمبا» را صد روز مانده به اول فروردین برگزار می‌کنند و بقیه بهدینان یزد و کرمان جشن سده را صد روز پس از اول آبان یعنی در روز دهم بهمن به جای می‌آورند.

برای آن که تصویری کلی از شیوه برگزاری آیین‌های زرتشتی به دست آید و بررسی آن‌ها میسر شود، نخست لازم است جزئیات این رسوم معرفی و با یکدیگر مقایسه شود.

آ. سفره و نمادهای مادی امشاسپندان

همانطور که زرتشتیان امروز معتقدند و مستشرقین نیز به آن اشاره کرده‌اند، آنچه که بر روی سفره‌های آیینی زرتشتی قرار می‌گیرد با نمادهای مادی امشاسپندان رابطه دارد. بویس (۱۹۷۷: ۵۱-۵۲) از قول یک کشاورز سالمند از اهالی مزرعه‌کلانتر، آقا رستم بلیوانی از شریف‌آباد و دستور خسرو جمشید موبد از یزد، درباره حضور نماد امشاسپندان در آیین‌های زرتشتی چنین گزارش می‌کند: موبد و اوستای که او می‌خواند به اورمزد، شیر به بهمن، آتش به اردیبهشت، ظرف‌های فلزی به شهریور، زمینی که روی آن مراسم برگزار می‌شود و موبد روی آن می‌نشیند به سپندارمذ، آب به خرداد، نان و میوه‌ها به امرداد تعلق دارد.

^۱ YZar. hiromb

^۲ YZar. hibid g

چون گاهنبارها جشن بزرگداشت آفرینش اهورامزداست، این نمادها به ویژه در سفره گاهنبار به طور کامل وجود دارند. از میان این‌ها، آتش و آب در تمامی مراسم شادی و سوگواری حاضر است، حتی در گاهنبار توجی که در واقع جشن خوانی است و به قول بانو پشتون شیر و شراب و میوه و بوی و برنگ واجب نیست، آتش و آب پاک حتماً باید وجود داشته باشد.

در ایران دهموبد آفرینگان آتش را هنگامی که نیایش پایانی مراسم یعنی «همازور دهمان» خوانده می‌شود، بین مردم می‌گرداند و همه حاضرین در مراسم با گفتن «همازور بیم»، باز کردن دست‌ها به سوی آفرینگان و کشیدن آنها روی صورت، با موبدی که مراسم را به جای آورده و زوهر برای اهورامزدا و جلوه‌های مادی و مینوی او پیشکش کرده‌است، همازور (=هم‌زوهر) می‌شوند. آتشی که در تمام آیین‌های نیایش خوانی مانند گاهنبار، فروردیگان، مراسم درگذشتگان و سده تقدیس می‌شود، پس از مراسم به آتشکده برده می‌شود و با آتش مقدس هم‌پیوند می‌شود. این مراسم هنوز در روستاهای قدیمی مانند مزرعه‌کلانتر و شریف‌آباد برای آتش آخرین شب پنجه انجام می‌شود ولی برای مراسم دیگر مانن گاهنبار و مراسم درگذشتگان از یاد رفته‌است.

آبی که برای سفره آیین‌ها استفاده می‌شود حتماً باید پاک و دست‌نخورده باشد، کسی از آن نچشیده باشد و از محلی پاک مانند جوی آب روان یا قنات تهیه شده باشد. ظرفی که آب را در آن می‌ریختند، سه بار با خاکستر و سپس با آب شسته می‌شد تا پاک باشد. امروزه از آب لوله‌کشی استفاده می‌شود ولی هنوز هم سالمندان ساکن روستاها، ظرف را سه بار با خاکستر و آب می‌شویند و سپس آن را پر از آب می‌کنند و بر سفره می‌گذارند. ظرف آب پاک در قدیم حتماً روزین بود که امروزه فقط نزد قدیمی‌ها پیدا می‌شود. نسل جدید آب را در لیوان یا ظرف‌های شیشه‌ای، چینی یا استیل هم می‌ریزند. در کنار آب ساده، در بعضی از روستاها در مراسم گاهنبار و درگذشتگان شربت (آب همراه با شکر و گلاب و تخم شربتی) هم می‌گذارند. برخی برای مراسم درگذشتگان چای هم بر سفره قرار می‌دهند که به نظر رسم‌های جدید است. در کرمان برای مراسم گاهنبار، روی آب ساده و پاک برگ‌های آویشن

و گل سرخ می‌پاشند که نشانه شادی و خوش‌یمنی است. در مراسم شادی مانند عروسی، سدره‌پوشی و نوروز به جای آب ساده، گلاب حاضر است؛ همه کسانی که در این شادی‌ها شرکت دارند، پس از مراسم دست‌وروی خود را با گلاب معطر می‌کنند و شربت گلاب می‌نوشند.

ظرف‌هایی که در قدیم برای سفره‌های آیینی استفاده می‌شد، حتماً از جنس مس یا آلیاژ روی بود. بهدینان می‌گویند: «ظرف روزین و مسین پاک است و ناپاکی را به خود نمی‌گیرد». آب و شراب را حتماً در ظرف روزین می‌ریختند و میوه و خوراکی‌های دیگر را در سینی و ظرف‌های مس قرار می‌دادند. باور به پاک بودن فلزات نسبت به جنس‌های دیگر در *شایست‌ناشایست* (۳۹-۴۰) نیز آمده‌است: زر با یک بار شستشو، سیم با دو بار، آهن با سه بار، فولاد با چهار بار، سنگ با شش بار شستن از آلودگی نسا پاک می‌شود.

میوه‌هایی که به یاد نماد مادی امشاسپند امرداد بر سفره قرار داده می‌شود، معمولاً میوه‌های فصل است. بویس (۱۹۷۷: ۴۱) اشاره می‌کند که بهدینان تلاش می‌کردند انار و به حتماً در میوه‌ها موجود باشد. زرتشتیان ایران به این میوه‌ها «ودرین»^۳ می‌گویند (فرهنگ بهدینان: ۱۷۱؛ بویس ۱۹۷۷: ۳۹). غیر از میوه‌های تازه، یک سینی شامل هفت جور میوه خشک هم در سفره‌های آیینی زرتشتیان حاضر است که «لُرک»^۴ نامیده می‌شود. لُرک غیر از این که نماد آفرینش گیاهی بر سفره است، خیرات اصلی بیشتر آیین‌ها مانند گاهنبار، مراسم درگذشتگان و جشن‌ها را تشکیل می‌دهد و به دلیل این که با کلام اوستا تقدیس یافته است، سپندینه و برکت‌بخش نیز هست.

بویس از قول موبد خداداد نیروسنگی نقل می‌کند که لُرک باید شامل این میوه‌های خشک باشد: سنجد، خرما، کشمش، گردو، بادام، زردآلوی خشک، آلو و توت. به نظر او سنجد بسیار مهم است و

^۳ YZar. vadrin

^۴ YZar. lork